

## تبیین شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس

محسن جان‌پور<sup>۱</sup>

محمدحسین افشردی<sup>۲</sup>

محمد قصری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۳/۹

### چکیده

تحولات در عرصه بین‌المللی زمینه وابسته‌تر شدن کشورها به یکدیگر و گسترش تعاملات بین آنها، تحرک زیاد افراد، کالاها، ناامنی‌ها و ... را فراهم آورده است. این مسئله مدیریت مرزهای کشورها را پیچیده‌تر و کشورها را در برقراری تعادل بین استفاده از فرصت‌ها و جلوگیری از ورود ناامنی‌های فرامرزی با مشکل مواجه کرده است. در این بین مدیریت مرزهای جمهوری اسلامی ایران به طور عام با توجه به وجود مرزهای طولانی ایران در خلیج فارس و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی آن به صورت خاص، از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. بر این اساس تحقیق حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و میدانی سعی در شناخت شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس دارد. نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان می‌دهد که ۲۵ شاخص مؤثر در مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس وجود دارد که می‌توان آنها را برای درک بهتر و با توجه به نزدیکی موضوعات به پنج بخش تقسیم کرد که هر بخش دارای پنج شاخص است: بخش اول واقعیت‌های جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی؛ بخش دوم سیاست‌ها؛ بخش سوم بازیگران؛ بخش چهارم عوامل ساختاری و بخش پنجم مسائل مرزی. برای اینکه جمهوری اسلامی ایران بتواند مرزهای خود را در خلیج فارس خوب مدیریت کند، باید همه شاخص‌های مؤثر را در نظر بگیرد.

### واژگان کلیدی

مرز، مدیریت مرز، مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس

۱ . استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲ . دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه عالی دفاع ملی

۳ . دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین



## مقدمه

قرن بیست و یکم همراه با پدیده جهانی شدن و مبادلات در سطوح مختلف از کالا گرفته تا اطلاعات از مکان‌های نزدیک گرفته تا کشورهای دور، آغازگر دوری جدید از روابط میان کشورهاست. سطح روابط اقتصادی در قرن حاضر به طور چشم‌گیری توسعه یافته است و بازیگران عرصه اقتصادی نیز بیشتر و متفاوت‌تر شده‌اند و زمینه حضور افراد، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف را در عرصه اقتصادی با تحرک بالا فراهم آورده‌اند؛ به نحوی که امکان چندانی برای اتخاذ سیاست انزوا و خودکفایی اقتصادی وجود ندارد و تصمیم به برکنار بودن از شبکه‌های اقتصادی جهان گستر بسیار دشوار، پرهزینه و حتی ناممکن شده است. از سوی دیگر، روند رو به افزایش جمعیت و توسعه فناوری‌های جدید نیاز و توان کشورها برای بهره‌برداری از منابع مشترک مرزی را تا حد زیادی افزایش داده است. در کنار این روند ایجادکننده فرصت برای کشورها، زمینه برای نفوذپذیری مرزهای کشور در برابر قاچاق کالا، مواد مخدر، نامنی، بیماری‌های مسری و ... نیز افزایش یافته است. این امر مدیریت مرزهای کشورها را پیچیده‌تر کرده و آنها را در برقراری تعادل بین استفاده از فرصت‌های پیش رو و جلوگیری از ورود نامنی‌ها، چالش‌ها و ... فرامرزی با مشکل مواجه ساخته است. در این میان با توجه به تحولات به‌وجودآمده، مدیریت مرزهای جمهوری اسلامی ایران به علت مرزهای طولانی، وضعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، منابع مشترک فراوان مرزی، تعدد همسایگان و ... از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است؛ زیرا هر گونه تعلل در این بخش می‌تواند منافع ملی و امنیت ملی کشور را دچار مشکل کند. برای مثال عدم مدیریت منبع مشترک مرزی پارس جنوبی بین ایران و قطر از نظر اقتصادی زیان‌های فراوانی به کشور وارد می‌کند. بر این اساس، حرکت به سمت مدیریت بهتر مرزهای کشور یکی از ضروریات حاضر برای دستیابی به منابع ملی و امنیت ملی است که گام نخست آن شناخت عوامل مؤثر در مدیریت مرزهای کشور است. از آنجا که بین مناطق مرزی کشور، مرزهای دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس از جایگاه برجسته‌تری از نظر ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، تعدد همسایگان، منابع مشترک مرزی، وجود نیروهای مداخله‌گر و ... برخوردار است، نیاز به شناخت عوامل مؤثر در مدیریت مرزهای کشور در این بخش اهمیت ویژه‌ای دارد. شایان ذکر است که چون ماهیت وجودی مرزهای خشکی و مرزهای دریاهای نیمه‌بسته دربرگیرنده طرف مقابل یا کشور همسایه است و باید هر یک از شاخص‌ها را برای مدیریت بهینه مرزها



به صورت دوطرفه در نظر گرفت، ضروری است شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزهای دریایی به صورت یک کل به حساب آید که نیمی از آن مربوط به عوامل درون‌کشوری و نیمی دیگر مربوط به کشور همسایه است. بر این اساس، تحقیق حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس کدام‌ها هستند؟

### روش تحقیق

روش کلی تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و میدانی استفاده شده است. در این تحقیق سعی شده است تصویرسازی درستی از شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس شود. برای تأیید یا رد شاخص‌های بیان‌شده در بخش نظری پرسشنامه‌ای در قالب ۳۸ سؤال طراحی شده و در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفته است. هر یک از سؤال‌ها میزان اهمیت و تأثیر شاخص‌ها را بر مدیریت مرزهای دریایی در طیف ده گزینه‌ای مورد ارزیابی قرار می‌دهند. در این طیف عدد یک نشان‌دهنده کمترین اهمیت و عدد ۱۰ نشان‌دهنده بیشترین اهمیت شاخص است. برای تعیین حجم نمونه، با توجه به اینکه جامعه آماری نامحدود بوده و هدف تحقیق برآورد میانگین جامعه است، جامعه آماری به صورت تخمینی از کارشناسان و صاحب‌نظران در حوزه مرزهای خلیج فارس از طریق گزینشی و اتفاقی در نظر گرفته شده است. جامعه آماری مد نظر به دو بخش تقسیم می‌شود. بخش اول، جامعه علمی که شامل دانشجویان کارشناسی ارشد، دکتری و استادان جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل و ... است و بخش دوم، شامل مسئولان و صاحب‌نظران در حوزه مرزهای دریایی در نیروی انتظامی و نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. بدین منظور محقق بیش از ۱۱۰ پرسشنامه را بین جامعه آماری مد نظر توزیع کرد که از این تعداد حدود ۶۵ پرسشنامه به صورت کامل شده دریافت شد. حدود ۵۲/۳ درصد پرسشنامه مربوط به صاحب‌نظران جغرافیای سیاسی و ۴۷/۷ درصد مربوط به مسئولان نیروی انتظامی و نیروی دریایی سپاه است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است و شاخص‌هایی که میانگینی بالاتر از ۵ داشتند، قبول و شاخص‌هایی با میانگین کمتر از ۵ رد شده است.



## مباحث نظری

### ۱. مدیریت مرز

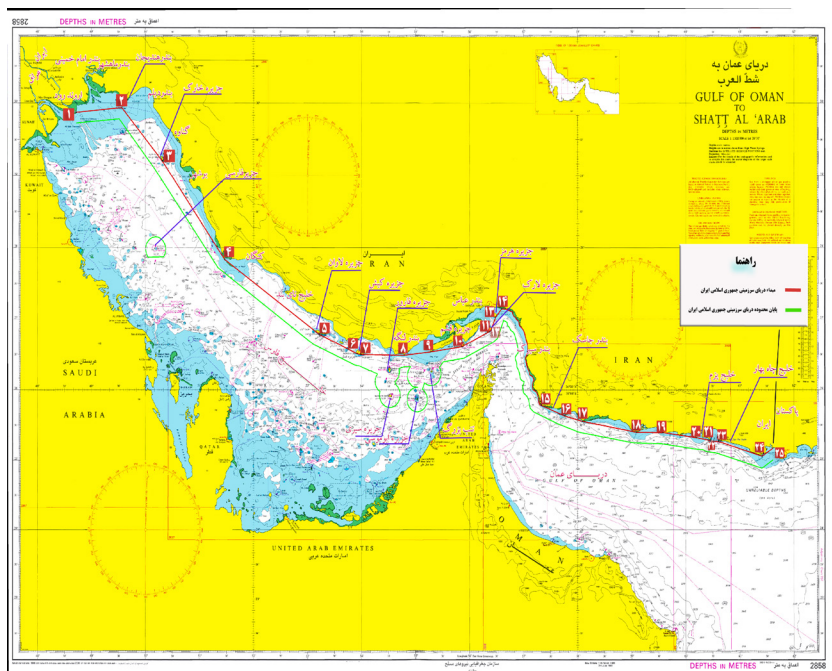
مدیریت مرز اغلب به روش‌ها و فناوری‌هایی اشاره می‌کند که به افراد، دولت‌ها و حکومت‌ها کمک می‌کند تا مسائل مرزی، عبور و مرور افراد و کالا، استفاده بهینه از منابع مشترک و ... را منطبق با قوانین و مقررات کشور انجام دهند. مدیریت مرز بیش از کنترل مرزی که گمان می‌شود مسئولیت رسیدگی به عبور و مرور افراد، کالاها، منابع مرزی و ... را دارد، با امنیت ملی کشور مرتبط است (Heinesson, 2009: 1). به عبارت ساده‌تر «مدیریت مرز مکانیسمی برای تضمین امنیت مرزهای ملی و تنظیم حرکت‌های قانونی در طول مرزها برای دستیابی به نیازهای متفاوت ملت از طریق ارتباط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است که از طریق مرزها فراهم می‌شود». بنابراین واژه مدیریت مرز واژه گسترده‌تری است که محدوده کنترل امور اجرایی مرزها شامل اطمینان از حفظ حرمت آنها را مشخص می‌کند (Pratt, 2001: 7). به بیان دیگر، مدیریت مرزها را می‌توان تنظیم رابطه‌ای قاعده‌مند و حساب‌شده بیان کرد که از طریق آن بتوان مرزهای کشور در عرصه‌های مختلف را تا حد امکان باز گذاشت تا روابط، عبور و مرور افراد، کالاها، اطلاعات و ... به راحتی جریان داشته باشد و از سوی دیگر مرزها را تا آن حد بسته نگاه داشت که نامنی‌ها، بی‌نظمی‌ها و سایر چالش‌ها و مسائل فراسوی مرزها نتواند وارد فضای کشور و جامعه شود و زمینه بی‌نظمی و ناامنی را در کشور به وجود آورد.

### ۲. مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس

با پیدایش نفت در خلیج فارس، مسئله سرحدات مرزی آبی و خاکی و حدود قلمرو حاکمیت کشورهای ساحلی مطرح شد و اختلاف‌ها و رقابت‌های سیاسی جنبه ملموس پیدا کرد. قبل از آن دوران، مرزهای سیاسی کشورهای حاشیه خلیج فارس مبهم و نامشخص و حاکمیت آنها بر دریای مجاورشان مقوله‌ای نه در قلمرو حقوق بین‌الملل، بلکه در گرو قدرت و سیاست استعمارگران و بیگانگان بود. در حقیقت قلمرو حاکمیت شیوخ و دولت‌های حاشیه خلیج فارس، محدود به «مرزهای مصلحتی» با ترسیم خطوط مبهم می‌شد. به زبان دیگر، اساس حاکمیت سرزمینی در مفهوم و تعبیر غربی آن مقوله‌ای ناشناخته بود و تنها محدوده استقرار قبیله‌ها ملاک تعیین مرزها



محسوب می‌شد. حتی اکثر فرمانروایان سنتی این منطقه از تثبیت حدود مرزهای خود گریزان بودند؛ برای مثال نقل می‌کنند که ابن سعود از پیشنهاد سرپرسی کاکس درباره تثبیت مرزها ناخشنود بود. توجیه ساده و بعضاً منطقی این مخالفت این بود که حکمرانان سنت‌گرا و رؤسای قبایل این منطقه فایده اندکی در ترسیم خطوط مجازی در پهنه کویرها و شنزارها می‌دیدند. آنچه در این وادی بی‌آب و علف مهم به حساب می‌آمد، وجود چاه و چشمه آب در واحه‌ای کوچک با چند نخل خرما بود. در مقابل، در ناحیه شمالی خلیج فارس، مسئله تحدید حدود مرزی شکل پیشرفته‌تری داشت و قواعد حقوقی-سیاسی حاکم در غرب ناظر بر حدود حاکمیت دولت ایران بر قلمرو خشکی و آبی و جزایر از اعتبار و ملاک خاصی برخوردار بود (کاظمی، ۱۳۷۴: ۲-۳)؛ به طوری که قبل از آنکه کشورهای جنوبی خلیج فارس روی نقشه‌های جهان پیدا شوند، در مناطق شمالی آن ایران، عثمانی، هند و سایر قدرت‌های موجود، بخش زیادی از مرزهای خود را مشخص و محدوده‌های خود را تعیین کرده بودند. اما در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس که قدرت‌های خارجی قرن‌ها در آن حضور داشتند و به نوعی آن را اداره می‌کردند، تعیین مرزها همچنان مبهم و نامشخص بود. از نیمه دوم قرن بیست به تدریج تعیین مرزهای سیاسی اهمیت پیدا کرد و کشورهای منطقه شروع به تعیین مرزهای خود کردند (ربیعی، ۱۳۸۸: ۱۰۳). در این راستا، ایران شروع به تعیین مرزهای خود در این قلمرو دریایی (دریای عمان و خلیج فارس) در چارچوب قوانین ملی و متأثر از قواعد بین‌المللی کرد و اولین قانون دریایی خود را در سال ۱۳۱۳ هـ.ش/۱۹۳۳ م و دومین قانون را در سال ۱۳۳۸ هـ.ش/۱۹۵۹ م به تصویب رساند. سومین قانون دریایی ایران در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ در ۳۱ فروردین ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که امروزه ملاک تحدید حدود مناطق دریایی ایران در دریای عمان و خلیج فارس محسوب می‌شود. در این قانون، تصویب‌نامه مورخ ۱۳۵۲ هیئت وزیران درباره تعیین خط مبدأ و آب‌های داخلی ایران نیز مورد تأیید قرار گرفت. مطابق این مصوبه، خط مبدأ ایران که مبنای تعیین حدود سایر مناطق دریایی است، از دهانه فاو تا خلیج گواتر ۲۵ نقطه مشخص دارد (نقشه ۱) (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۳۷).



نقشه ۱: نقاط ترسیم خط مبدأ و محدوده دریای سرزمین در جنوب کشور جمهوری اسلامی ایران

### یافته‌های تحقیق

#### الف) واقعیت‌های جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی

##### – واقعیت‌های جغرافیایی

واقعیت‌های جغرافیایی از مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزهاست. وضعیت جغرافیایی کشورها بر سیاست دولت‌ها تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، دولت‌ها با توجه به اوضاع جغرافیایی کشور خود سیاست‌گذاری می‌کنند (Sullivan, 1986: 2). بر این اساس واقعیت‌های جغرافیایی نظیر موقعیت جغرافیایی کشور یا کشور همسایه، ساختار فضایی گروه‌های قومی و مذهبی و ... از شاخص‌هایی هستند که مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای مثال موقعیت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که در منطقه‌ای ناآرام و همسایه با کشورهای بی‌ثبات نظیر افغانستان و عراق، مسیر نقل و انتقال و ترانزیت مواد مخدر و ... قرار گرفته است. این موقعیت جغرافیایی به صورت مستقیم بر مدیریت مرزهای ایران به طور عام و مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس به طور خاص تأثیر



گذاشته است. در طرف دیگر موقعیت جغرافیایی کشورهای همسایه ایران نیز به صورت متقابل بر مدیریت مرزهای ایران تأثیرگذار است. برای مثال موقعیت جغرافیایی عراق به گونه‌ای است که احساس قرار گرفتن در تنگنای ژئوپلیتیکی را بین حاکمان آن به وجود آورده است. این احساس به صورت‌های مختلف و در کنار عوامل دیگر سبب شده است که این کشور رفتارهای تهاجمی و خشونت‌آمیز نسبت به همسایگان پیش گیرد که نمونه بارز آن شروع جنگ تحمیلی هشت ساله است. سایر واقعیت‌های جغرافیایی مانند ساختار فضایی گروه‌های قومی و مذهبی و ... نیز به این صورت و در دو بخش داخلی و کشور همسایه مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### – ساختار ژئوپلیتیکی جهان

ساختار ژئوپلیتیکی جهان با توجه به نقشی که در برقراری نظم و امنیت نسبی در جهان، روابط مشخص بین بازیگران، بیشتر شدن نقش سازمان‌های بین‌المللی و ... نسبت به دوره گذار دارد، به روند دستیابی کشورها به مدیریت مرزهای دریایی کمک می‌کند. از سوی دیگر، در دوره گذار با توجه به تضعیف نقش سازمان ملل، توسعه ناامنی و تروریسم و ... که مسائل دوران گذار است، زمینه برای مدیریت مرزهای دریایی سخت‌تر می‌شود (جان پرور، ۱۳۹۱: ۶۳). همچنین تجارب جهانی گویای این نکته است که نحوه و میزان «تعامل» با «ساختار نظام ژئوپلیتیکی، یعنی شناخت محیط بیرونی و سازگاری با قدرت و نظام جهانی، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر توسعه کشور، رشد اقتصادی، امنیت ملی و منافع ملی خواهد داشت؛ زیرا در دنیای جهانی‌شده امروز، کشورها نمی‌توانند بدون «تعامل»، در یک بستر سیاسی هم‌نوا با دنیای خارج، به توسعه اقتصادی، امنیت ملی، منافع ملی و ... خود دست یابند (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۳۲۵). بر این اساس ساختار ژئوپلیتیکی جهان به دو صورت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داده است:

اول، فقدان ساختار ژئوپلیتیکی بعد از فروپاشی شوروی در جهان و قرار داشتن جهان در یک دوره گذار ژئوپلیتیکی؛ این موضوع سبب شده است ایالات متحده آمریکا به عنوان یک قدرت برتر، تکروری‌ها، زیاده‌خواهی‌ها و ... خود را در سطح جهان دنبال کند و به صورت‌های مختلف زمینه ناامنی و تحت تأثیر قرار دادن سایر کشورها را به ویژه در خلیج فارس با توجه به اهمیت و ارزش بالای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک آن،



فراهم آورد. این زیاده‌خواهی‌ها و تکروری‌ها با حمله ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ به صورت مستقیم مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داده و زمینه قدرت‌نمایی بیش از پیش این کشور در حوزه خلیج فارس را فراهم آورده است.

دوم، سطح و نوع رابطه جمهوری اسلامی ایران با قدرت برتر موجود در ساختار ژئوپلیتیکی یا قدرت برتر در دوره گذار؛ با توجه به اینکه بعد از انقلاب اسلامی روابط بین ایران و ایالات متحده تا حد صفر کاهش یافت، این کشور در قالب دشمن به صورت‌های مختلف نظیر حمایت از ادعاهای واهی کشورهای همسایه ایران، تشدید رقابت و تفکر دشمنانه بین ایران و همسایگان و ... مدیریت مرزهای ایران در خلیج فارس را با مشکل مواجه کرده است. باید توجه کرد ساختار ژئوپلیتیکی جهان به همان اندازه که ایران و مدیریت مرزهای کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بر مدیریت مرزهای کشورهای همسایه ایران نیز چه به صورت منفی و چه مثبت تأثیرگذار است و انعکاس آن دوباره بر مدیریت مرزهای دریایی ایران تأثیر می‌گذارد.

#### – موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک منطقه مرزی

یکی از شاخص‌هایی که در خلیج فارس همانند سایر مناطق جهان به صورت مستقیم بر مدیریت مرز و زمینه دستیابی به آن بین همسایگان مؤثر است، موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک منطقه مرزی است. از آنجا که در اختیارگیری و حاکمیت بر منطقه‌ای با اهمیت و ارزش ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک بالا در وزن ژئوپلیتیکی کشورها در بازیگری در سطح تعامل با سایر کشورها، چه در رابطه با کشورهای همسایه و چه در برقراری رابطه با سایر کشورها در جهان نقش مهمی دارد، قرارگیری این منطقه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک در منطقه مرزی خواه ناخواه زمینه دستیابی به مدیریت مرزها بین دو کشور را با مشکل مواجه می‌کند؛ زیرا کشور دارنده چنین منطقه ژئواستراتژیک حاضر به دادن و شراکت با کشور همسایه در این منطقه مرزی نیست و سعی می‌کند به هر شکل ممکن به تنهایی این منطقه مرزی را مدیریت کند و از طریق اعمال حاکمیت بر آن وزن ژئوپلیتیکی خود را در روابط با کشور همسایه و سایر کشورها در سطح جهان بالا ببرد و در تعاملات قدرت زمینه دستیابی به منافع ملی و امنیت ملی خود را بیشتر فراهم آورد. از سوی دیگر وجود ادعاها و اختلافات ارضی و مرزی در این منطقه می‌تواند به صورت کاتالیزوری چالش‌ها و درگیری‌های





بین دو طرف را افزایش دهد. از آنجا که خلیج فارس دارای موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی بالایی است و در آن ادعاها و اختلافات ارضی و مرزی متعددی بین همسایگان وجود دارد، این شاخص می‌تواند یکی از شاخص‌های مؤثر بر مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس باشد (جان‌پرور، ۱۳۹۱: ۲۷۳-۳۷۲).

#### – منابع مشترک

مرزها به صورت‌های مختلف زمین و فضای جغرافیایی را بین دو کشور تقسیم می‌کنند. ممکن است در طول فضای جغرافیایی تقسیم‌شده بین دو کشور منابع و معادنی وجود داشته باشد که به وسیله مرزهای بین دو کشور تقسیم شود. به این منابع به اصطلاح «منابع طبیعی فرامرزی»<sup>۱</sup> می‌گویند. این منابع در معنای موسع خود شامل هر نوع منابع طبیعی می‌شود که در شکل و حالت طبیعی خود و بدون دخالت انسان قادر به عبور از مرزهای سیاسی یک کشور است. میدان‌های نفت و گاز مشترک به دلیل گستره جغرافیایی آنها و تعلق داشتن به بیش از یک کشور مصداق بارز این منابع هستند (میرعباسی و جهانی، ۱۳۹۰: ۹۲). خلیج فارس دارای منابع عظیم نفت و گاز در بستر دریاست. این منابع عظیم با ارزش بالای اقتصادی در برخی قسمت‌های خلیج فارس به صورت مشترک بین ایران و کشورهای همسایه قرار گرفته‌اند و از طریق مرزهای دریایی بین دو کشور به دو قسمت تقسیم شده‌اند. از آنجا که در زمینه میزان و چگونگی بهره‌برداری از این منابع مشترک بین ایران و کشورهای همسایه هیچ نوع تفاهم دوجانبه و چندجانبه‌ای صورت نگرفته است، هر گونه اقدام در زمینه بهره‌برداری از این منابع از سوی یک کشور با واکنش و زیر سؤال بردن طرف مقابل مواجه می‌شود. همچنین نبود تفاهم در زمینه میزان و نحوه بهره‌برداری از این منابع سبب شده است که هر یک از طرفین فکر کند که حقیقت در این عرصه در حال ضایع شدن است. این امر سبب رقابت بین دو طرف و شکل‌گیری نگرش منفی نسبت به کشور همسایه چه در سطح حکومت و چه در سطح مردم شده است. می‌توان گفت وجود منابع مشترک بین ایران و همسایگان در خلیج فارس به دلیل نبود هیچ‌گونه تفاهم و همکاری دوجانبه‌ای ضمن ضایع شدن منافع ملی، مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس را نیز با مشکل مواجه کرده است.



## – ژئوپلیتیک زیست‌محیطی

توسعه بحران‌های زیست‌محیطی و تبعات آن در زمینه الگوهای تعامل و همکاری یا کشمکش بین گروه‌ها و ابنای بشر و بازیگران سیاسی عامل اصلی توجه ژئوپلیتیک و متخصصان این رشته به مسائل زیست‌محیطی است. به همین علت از این موضوع به عنوان یکی از مکاتب ژئوپلیتیک سبز<sup>۱</sup> تعبیر می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۹). از مهم‌ترین این مسائل می‌توان به گرم شدن زمین، کاهش لایه اوزن، کمبود آب شیرین، کمبود خاک مرغوب، بیابان‌زایی، آلودگی هوا، باران‌های اسیدی، انهدام زباله‌های سمی، جنگل‌زدایی، صدمه به تنوع زیست، آلوده شدن دریاها و ... اشاره کرد (برادن و شلی، ۱۳۸۳). این مسائل در طول دهه‌های گذشته به صورت‌های مختلف کشورها و روابط بین آنها را تحت تأثیر قرار داده و تنش‌ها و درگیری‌هایی را سبب شده است. این موضوع در دریاها به ویژه دریا‌های بسته و نیمه‌بسته که مناطق مرزی دریایی دارای همپوشانی و حاکمیت چندگانه‌ای هستند، از اهمیت و جایگاه برجسته‌تری برخوردار است و منافع ملی و امنیت کشورها را تحت تأثیر قرار داده و مدیریت مرزهای دریایی آنها را با چالش مواجه کرده است. وضعیت این شاخص در خلیج فارس با توجه به منابع عظیم نفت و گاز، رفت و آمد زیاد کشتی‌ها، رقابت در بهره‌برداری از منابع مشترک، عدم تفاهم کشورهای حوزه خلیج فارس در زمینه مسائل حمل و نقل نفت و گاز، ورودی کم آب شیرین به خلیج فارس و ... مسائل زیست‌محیطی متعددی برای کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله ایران ایجاد کرده و سبب شده است منافع ملی و امنیت ملی ایران در خلیج فارس با چالش مواجه شود و مدیریت مناسبی در این زمینه صورت نگیرد.

### ب) سیاست‌ها

#### – سیاست خارجی

سیاست خارجی استراتژی یا خط‌مشی‌هایی است که تصمیم‌گیران یک کشور در ارتباط با سایر دولت‌ها یا موجودیت‌های بین‌المللی طرح‌ریزی می‌کنند و منظور از آن دستیابی به اهدافی ویژه است که بر پایه منافع ملی تعریف و مشخص می‌شود (معنوی، ۱۳۸۷: ۳). در عرصه جهانی با توجه به روند رو به گسترش وابستگی کشورها به یکدیگر، نیاز رو به افزایش بهره‌برداری از منابع مشترک، بازیگری فعال در عرصه



جهانی، توان تأثیرگذاری بر یکدیگر و ... سبب برخورد بیشتر منافع ملی، وابستگی امنیتی و ... بین کشورها شده و زمینه برای برجسته‌تر شدن اصول سیاست خارجی کشورها فراهم آمده است. بر این اساس، داشتن سیاست خارجی متخاصم و چالش‌زا با کشور همسایه به صورت‌های مختلف می‌تواند بر روند شکل‌گیری همکاری بین دو کشور در مدیریت بهینه مرزی تأثیرگذار باشد و زمینه عدم مشارکت کشور مقابل را فراهم آورد. اما اگر سیاست خارجی کشور یا روند اصلاحی آن به سوی همکاری، ایجاد روابط دوستانه و احترام به طرف مقابل باشد، زمینه برای همکاری و مشارکت دو کشور برای مدیریت بهینه مرزی فراهم می‌آید. این وضعیت در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای همسایه نشان‌دهنده نوعی پارادوکس میان ملی- فراملی، ایرانی- اسلامی، منافع ملی- منافع اسلامی، منفعت ایران- منفعت امت اسلام و مطلوبیت محوری- محدودیت محوری و ... است. این وضعیت سیاست خارجی نسبت به کشورهای همسایه در خلیج فارس زمینه تنش و درگیری بین کشورها را بیشتر کرده و تعامل و همکاری بین دو طرف را به حداقل ممکن رسانده و زمینه تکامل مرزها و دستیابی به مدیریت مرزهای دریایی بین دو طرف را با مشکل مواجه کرده است. البته در این زمینه سیاست خارجی طرف مقابل، تفرقه‌افکنی نیروهای مداخله‌گر و ... نیز تأثیرگذار است و نباید تأثیر آنها را کمتر از سیاست خارجی کشور دانست (افشردی و جان‌پور، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

#### - سیاست دفاعی

سیاست دفاعی کشورهای دارای مرزهای مشترک از جمله شاخص‌های مؤثر بر مدیریت مرزهای بین دو کشور است. به هر میزان این سیاست به گزینه‌های مقابله، بازدارندگی و تسلیم طرف مقابل پیش برود، زمینه برای درگیری و چالش بین دو کشور بیشتر می‌شود و اگر سیاست دفاعی کشورها به سمت گزینه‌های آشتی و مصالحه، همکاری و سازش، پیمان‌های دفاعی متقابل و تا حدودی توازن قوا برود، زمینه برای همکاری دوجانبه و دستیابی به الگوی مدیریت بهینه مرزی فراهم می‌آید. البته با توجه به جایگاه مهمی که دریاها در قدرت کشورها به ویژه قدرت دفاعی آنها دارند، دستیابی به سیاست دفاعی که بتواند ضمن دستیابی به اهداف و وظایف خود، زمینه همکاری و همگرایی بین کشور و کشورهای دارای مرزهای مشترک دریایی را فراهم آورد، سخت‌تر و از حساسیت بالایی بین دو طرف برخوردار است. وضعیت این شاخص بین



ایران و کشورهای همسایه حوزه خلیج فارس به گونه‌ای بوده که زمینه رقابت و چالش را بین آنها فراهم آورده است. در این بین برخی عوامل مانند حضور نیروهای بیگانه، سودطلبی برای فروش تجهیزات نظامی به کشورهای منطقه، احساس تهدید کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس از ناحیه داخلی و سایر مسائل بر این رقابت و نگرش منفی نسبت به سیاست دفاعی طرف مقابل افزوده و زمینه واگرایی بین آنها را فراهم آورده است و آنها را بیشتر به سمت مقابله، بازدارندگی، تسلیم طرف مقابل و رقابت کشنده است که این امر خود زمینه تنش و درگیری بین دو کشور را بیشتر و مدیریت مرزهای دریای خلیج فارس را با مشکل مواجه کرده است (افشردی و جان‌پرور، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

### – سیاست امنیتی

سیاست امنیتی به آن دسته از سیاست‌ها گفته می‌شود که دولت‌ها برای حفظ یا بسط ارزش‌های حیاتی ملی در برابر تهدیدهای دشمنان بالفعل یا بالقوه پیش می‌گیرند (آزر و این مون، ۱۳۷۹: ۳۰۴). با توجه به اهمیت و جایگاه برجسته‌ای که امنیت برای کشورها دارد، حکومت‌ها به صورت گسترده‌ای سعی در شکل‌دهی به سیاست‌های امنیتی ویژه برای خود دارند تا بتوانند به صورت مؤثری ضمن حفظ موجودیت و تمامیت ارضی خود زمینه توسعه و پیشرفت را برای کشور فراهم آورند. از آنجا که کشورها در صحنه بین‌المللی موجودات مستقلی نیستند، انتخاب سیاست‌های امنیتی آنها خواه‌ناخواه با سیاست‌های امنیتی کشورهای دیگر به ویژه کشورهای هم‌مرز همپوشانی‌ها و تعارض‌هایی دارد. در این راستا به هر میزان سیاست‌های امنیتی دو کشور همسایه به سوی همپوشانی و تأمین امنیت متقابل پیش برود، زمینه برقراری ارتباط و تعامل مثبت بین دو کشور بیشتر و دستیابی به مدیریت مرزهای بین دو کشور آسان‌تر می‌شود. از سوی دیگر به هر میزان سیاست امنیتی انتخاب‌شده از سوی کشورهای دارای مرز مشترک در تعارض با یکدیگر و بدون در نظر گرفتن امنیت کشور مقابل طراحی شود، همکاری و تعامل بین دو کشور به سردی می‌گراید و سبب چالش و درگیری‌های بین دو کشور می‌شود که این مسئله خود دستیابی به مدیریت مرزی بین دو کشور را با مشکل مواجه می‌کند (جان‌پرور، ۱۳۹۱: ۷۲). وضعیت این شاخص بین ایران و کشورهای همسایه بدین صورت است که کشورها سیاست‌های امنیتی متفاوت و گاه متعارض پیش گرفته‌اند. این موضوع ناشی از «برداشت‌های متفاوت و متعارض از مقوله امنیت» در این حوزه است. در خلیج فارس به دلیل نبود راهبردهای



مشترک امنیتی، گونه‌گونی ملیت‌ها و قومیت‌ها، ریشه‌دار نبودن کثرت‌گرایی و مهم‌تر از آن روشن نبودن مفاهیم صلح، امنیت و خطر سبب شده است همگرایی منطقه‌ای رؤیایی بیش نباشد و هر یک از کشورها با نگرش خاص خود به تعریفی خاص از امنیت و محیط امنیتی موجود در خلیج فارس پردازند و سیاست امنیتی خاص خود را بر اساس این تعریف شکل دهند. البته در این زمینه حضور و نقش‌آفرینی نیروهای فرامنطقه‌ای نظیر امریکا، وضعیت خاص کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس که وابستگی شدیدی به نیروهای فرامنطقه‌ای برای حفظ امنیت چه در محیط داخلی به دلیل عدم مشروعیت داخلی و چه در زمینه امنیت خارجی دارند و ... تأثیرگذار بوده است. این عوامل در کنار یکدیگر زمینه شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوت به امنیت در خلیج فارس و نیز زمینه سیاست‌های امنیتی متفاوت و گاه متعارض به ویژه بین ایران و کشورهای همسایه در خلیج فارس را سبب شده است. این سیاست‌های امنیتی متفاوت و گاه متعارض به صورت‌های مختلف بر همگرایی و همکاری بین ایران و همسایگان در خلیج فارس تأثیر گذاشته و مانع شکل‌گیری تعامل در برقراری امنیت در خلیج فارس شده و مستقیماً مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس را متأثر کرده است.

#### – سیاست ارتباطی (سطح روابط)

اقوام و ملل گوناگون در راستای تأمین نیازهای خود از دیرباز با همسایگان پیرامون، روابط متقابل تجاری، اقتصادی و فرهنگی ایجاد می‌کردند و با رعایت حقوق یکدیگر، روابطی مسالمت‌آمیز را سرلوحه سیاست‌های خود قرار می‌دادند. با شکل‌گیری حکومت‌ها و تعیین حدود کشورها، روابط بین آنها وارد مرحله‌ای تازه شد. حکومت‌ها به عنوان نماینده ملت و کشور خود ناگزیر از رابطه با یکدیگرند؛ به طوری که امروزه با توجه به تحولات صورت‌گرفته در عرصه جهانی نظیر جهانی شدن، توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و ... و وابستگی روزافزون کشورها به یکدیگر، بالاترین حجم و تنوع ارتباطات بین دولت‌ها نسبت به گذشته وجود دارد و هیچ دولتی نمی‌تواند ادعا کند بدون رابطه با دیگران می‌تواند به حیات خود ادامه دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۵۴). در این بین کشورهای همسایه با توجه به وابستگی و نزدیکی بیشتر به یکدیگر از جایگاه برجسته‌تری در برقراری روابط و همکاری نزدیک با یکدیگر برخوردارند. زمانی که ملت‌ها تماس و ارتباطات کمی داشته باشند، برای به حداکثر رساندن منافع



مشترک‌شان در یک بازی به هم وابسته همکاری نخواهند کرد و حتی به سبب توجه و ارتباطات و تماس‌های نامطلوب خود با کشور دیگر، ممکن است منافع به هم وابسته و مشترک خود را هم درک نکنند (ریبیعی، ۱۳۸۸: ۵۴). بر این اساس، داشتن سطح روابط گسترده و نزدیک به یکدیگر، به ویژه بین کشورهای همسایه که منافع ملی و امنیت ملی به هم پیوسته و مشترک زیادی دارند، می‌تواند گام مثبتی برای دستیابی به مدیریت مرزهای مشترک باشد. وضعیت این شاخص بین ایران با همسایگانش در حوزه خلیج فارس نشان‌دهنده سطح پایین ارتباط بین آنهاست. این سطح روابط در بخش روابط سیاسی که از سیاست خارجی متفاوت و گاه متعارض کشورها ناشی شده و با دخالت‌ها و تفرقه‌افکنی‌های نیروهای مداخله‌گر نیز مواجه است، موجب کاهش روابط و تعاملات و درک درست نداشتن در زمینه منافع و اهداف مشترک بین آنها شده است. در زمینه روابط اقتصادی نیز داشتن اقتصادهایی مبتنی بر اقتصاد تک‌محصولی که رقابت اقتصادی بین کشورهای خلیج فارس را سبب شده است و پیروی نکردن این اقتصادها از اصل هم‌تکمیلی، روابط بین آنها را تا حد زیادی کاهش داده و واگرایی بین آنها را بیشتر کرده است. در کل سطح روابط پایین بین ایران با کشورهای همسایه حوزه خلیج فارس سبب شده است که درک درستی از منافع مشترک بین آنها شکل نگیرد و این کشورها برای دستیابی به ثبات و امنیت در حوزه خلیج فارس که به صورت مستقیم مدیریت مرزها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، گام بر ندارند.

### – سیاست مرزی

حکومت‌ها برای کنترل مرزهای خود نیاز دارند سیاست‌های مرزی خاصی انتخاب کنند. این سیاست‌ها شامل سه نوع سیاست مرزی بسته، سیاست مرزی نیمه‌بسته و سیاست مرزی باز می‌شود. اکثر کشورها این سیاست‌ها را کنار یکدیگر و در مکان‌ها و زمان‌های مختلف به کار می‌برند. با توجه به اینکه این سیاست‌ها به صورت مستقیم مرزها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، یکی از شاخص‌های مهم مؤثر بر مدیریت مرزها هستند. حکومت ایران برای اینکه بتواند از صنایع و تولیدات داخلی خود حمایت کند، از ورود ناامنی‌ها و بی‌نظمی‌های فرامرزی به داخل کشور جلوگیری کند و ... سیاست مرزهای بسته و تا حدودی نیمه‌بسته را برای رسیدن به اهداف خود انتخاب کرده است. این سیاست مرزی با توجه به روند تحولات صورت‌گرفته در عرصه جهانی و آسان‌تر شدن جابه‌جایی کالاها، انسان‌ها، ناامنی‌ها و ... از یک سو و وابستگی بیشتر



بین کشورها روند کنترل و دستیابی به مدیریت مرزهای کشور را با مشکل مواجه کرده است. برای مثال در مرزهای دریایی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس پیش گرفتن سیاست مرزهای بسته روند ورود و خروج کالاهای قاچاق، تردهای غیرمجاز و ... را به کشور افزایش داده است. همچنین خیلی از مسائل و منافع کشور با پیش گرفتن سیاست مرزهای بسته و نیمه بسته دست یافتنی نیست؛ از جمله حل مسائل ژئوپلیتیک زیست محیطی در خلیج فارس، بهره گیری از فرصت های فراسوی مرزها و ... در کل باید گفت سیاست مرزی کشور به صورت کلی و سیاست مرزی ایران در خلیج فارس به صورت جزئی نتوانسته است زمینه دستیابی به الگوی مدیریت مناسب مرزهای دریایی ایران را در خلیج فارس تأمین کند (جان پرور، ۱۳۹۱: ۲۷۵).

### ج) بازیگران

#### – سازمان ها و نهادهای مرتبط با مرز

سازمان ها و نهادهای مرتبط با مرزها یا مدیریت کننده مرزها از بازیگرانی هستند که می توانند مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس را تحت تأثیر قرار دهند. در ایران بیش از بیست سازمان و نهاد با مرزها مرتبط هستند. این تعدد سازمان ها در کشور در کنار فقدان قواعد و مقررات مشخصی بین آنها که بتواند وظایف و مسئولیت های این سازمان ها و نهادها را از یکدیگر متمایز و مشخص کند، زمینه همپوشانی و اختلاط بین کارها و وظایف را بین آنها فراهم آورده و ناهماهنگی هایی را نیز بین این سازمان ها و نهادها سبب شده است. این مسائل هر یک به نوعی بر مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس تأثیرگذار بوده و آن را دچار مشکل کرده است. به بیان دیگر، این تعدد سازمان ها در کنار فشارهای مختلفی همچون محدودیت های مالی و نیروی انسانی، مشکلات درون سازمانی و بین سازمان های مرتبط با مرز در زمینه تبادل اطلاعات، قوانین غیرشفاف، افزایش مورد نیاز رویه ها، فشار درآمد، مطالبات رو به افزایش بخش خصوصی و ... زمینه دست نیافتن به مدیریت بهینه مرزها را فراهم کرده اند (Doyle, 2007: 12).

#### – تعداد کشورهای همسایه

ریچاردسن بیان می کند که با افزایش تعداد همسایگان بر چالش ها و درگیری های مرزی افزوده می شود؛ یعنی هر میزان که بر تعداد بازیگران در سطح ملی افزوده



شود، زمینه دستیابی به توافق و همکاری بین این بازیگران ملی پایین تر می آید. با توجه به اینکه هدف اساسی و تغییرناپذیر هر حکومت- ملت پایه‌ای، بقای ملی است و این مهم، خود در گرو مقوله تهدید است، شدت جریان تهدیدهایی که خارج از فضای سرزمینی، کشور را هدف قرار می‌دهند یا تهدیدهای بیرونی، تحت تأثیر تعداد همسایگان است. در واقع امنیت ملی هر کشوری از نظر تهدیدهای پیرامونی تابع تعداد دولت‌ها و کشورهای همجوار است و در بیشتر موارد هر چه تعداد همسایگان بیشتر باشد، تأکید حکومت و مردم بر مسائل امنیتی هم بیشتر خواهد بود (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۵). این تعدد همسایگان زمینه صدور بحران، تراکم تهدید مستقیم، تراکم اختلافات و ... را برای کشور به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد. در حوزه خلیج فارس، ایران همسایگان متعددی دارد. این تعداد بالای همسایگان سبب شکل‌گیری تعدد دیدگاه‌ها، چالش‌ها، بحران‌ها و ... شده و مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس را با مشکل مواجه کرده است؛ زیرا داشتن همسایگان متعدد زمینه درگیری و چالش و صدور بحران و ... به ایران را در خلیج فارس افزایش داده و موجب ناامنی و تداخل منافع بین کشورها شده است. از سوی دیگر، تفاهم با یک کشور در نگاهی کلی می‌تواند خیلی راحت‌تر از چند کشور در دستیابی به راه‌حل‌های مسائل و مشکلات مرزی بین دو کشور باشد. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که داشتن کشورهای متعدد ضعیف برای امنیت ملی و منافع ملی کشور، از داشتن کشور بزرگی که دارای نگرشی دشمنانه به کشور باشد، بهتر است.

#### – ساکنان مرزی

ساکنان مرزی از بازیگران اصلی در مدیریت مرزها هستند. با توجه به حساسیت ویژه و شناختی که اهالی مرزنشین هر منطقه از خاک خود دارند، استفاده از نیروهای مردمی در کنترل مرز و مقابله با مشکلات مرزی مؤثر است. از آنجا که حیات و زندگی مرزنشین در مرز خلاصه می‌شود، حاصل یک عمر تلاش او در صورت ایجاد ناامنی در مرز در خطر نابودی قرار خواهد گرفت؛ بنابراین، در مقابل تحرکات و اهداف سوء عوامل ناامنی، ایستادگی و مقاومت می‌کند. این موضوع در طول تاریخ ایران بارها تکرار شده است (پیرفلک، ۱۳۸۸: ۲۶۶). هرچند نقش این نیروها در مرزهای دریایی نسبت به مرزهای زمینی کمتر است، عرض کم خلیج فارس زمینه نقش‌آفرینی و بازیگری آنها را در مدیریت مرزهای دریایی دوچندان کرده و سبب شده است که آنها به بازیگرانی





فعال در عرصه مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس تبدیل شوند. با وجود اهمیت بالای این بازیگران در مدیریت مرزهای دریایی و اقرار مقامات کشور به این موضوع، نقش آفرینی و بازیگری خاصی در زمینه مدیریت مرزها به آنها محول نشده است. از سوی دیگر، وابستگی قومی و مذهبی ساکنان مرزی به آن سوی مرزها، شرایط بد زندگی، بیکاری در سطح بالا و وجود فرصت‌های شغلی در کشورهای همسایه جنوبی، تفاوت سطح اقتصادی بین ساکنان مرزی ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و ... به صورت‌های مختلف بر روابط این بازیگران با حکومت مرکزی تأثیر گذاشته و موجب گرایش و تمایل این بازیگران به سوی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس شده است. علاوه بر این زمینه تردهای غیرمجاز، قاچاق کالا و ... بین ساکنان مناطق ساحلی ایران در خلیج فارس را فراهم آورده و مدیریت مرزهای دریایی کشور را با مشکل مواجه کرده است.

#### – نیروهای مرزی

از آنجا که نیروی‌های مرزی به صورت مستقیم مدیریت مرزهای دریایی را بر عهده دارند، یکی از بازیگران با اهمیت در مدیریت مرزها به طور عام و مرزهای دریایی به صورت خاص هستند. بر این اساس، حکومت‌ها برای اینکه بتوانند مرزهای خود را به خوبی مدیریت کنند نیازمند نیروهای مرزی حرفه‌ای و آموزش‌دیده هستند. به هر اندازه که نیروی مرزی به کار گرفته شده در مدیریت مرزهای کشور حرفه‌ای‌تر، آموزش‌دیده و آشنا به فناوری‌های مدرن و استانداردهای مدرن، آشنا به فرهنگ ساکنان مرزی و آشنا به قوانین و ضوابط دو کشور دارای مرزهای مشترک باشد، به همان میزان مدیریت مرزها نیز بهتر انجام می‌گیرد. نیروهای مرزی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس به صورت‌های مختلف آموزش‌های قبل از خدمت و ضمن خدمت برای مدیریت مرزهای دریایی در کشور می‌بینند. به هر میزان که این نیروها از آموزش بهتری برخوردار باشند، می‌توانند مرزها را بهتر مدیریت کنند. همچنین داشتن احساس وظیفه، انگیزه و ... سایر مسائل با توجه به شرایط سخت زندگی در نواحی مرزی بر چگونگی عمل این نیروها در مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس تأثیرگذار است (افشردی و جان‌پرور، ۱۳۹۲: ۲۰۵-۲۰۴).



## – نیروهای مداخله‌گر

نیروهای مداخله‌گر بر ساختار روابط بین دو کشور تأثیر می‌گذارند و گاهی به طور عملی آن را تعیین می‌کنند. این نیروها ممکن است مسئول رقابت‌های مذهبی و قومی نباشند، ولی قادرند با ترویج رقابت‌های مسلکی، تحمیل رقابت‌های سیاسی خویش بین دو کشور و تشویق ماجراجویی محلی آتش اختلاف را بین دو کشور همسایه دامن بزنند (کرمی، ۱۳۸۸: ۵۴). این نیروها در قالب کشورها و سازمان‌ها در خلیج فارس به صورت‌های مختلف بر مدیریت مرزهای دریایی ایران تأثیرگذارند. در این بین، بریتانیا در گذشته و ایالات متحده آمریکا در حال حاضر، به عنوان نیروی مداخله‌گر با ایجاد و تشدید اختلافات بین ایران با کشورهای همسایه، حضور مستقیم و مستمر در منطقه خلیج فارس و به چالش کشیدن امنیت مرزهای ایران، حمله به عراق و ... مدیریت مرزهای ایران در خلیج فارس را با مشکل مواجه کرده‌اند. از سوی دیگر، شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک سازمان منطقه‌ای با حمایت‌هایی که در قالب ناسیونالیسم عربی از کشورهای عضو انجام می‌دهد و ... زمینه تشدید اختلافات و چالش‌های بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو این سازمان را فراهم آورده و سبب شده است تعامل و همکاری سازنده برای حل اختلافات بین ایران و کشورهای همسایه در حوزه خلیج فارس به منظور دستیابی به مدیریت مناسب مرزهای دریایی انجام نگیرد.

## (د) عوامل ساختاری

### – ساختار همگن یا ناهمگن

ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای دارای مرزهای مشترک به هر میزان که به یکدیگر نزدیک‌تر باشد، کشورها نسبت به یکدیگر تعارض و چالش کمتری حس می‌کنند و زمینه برای تعامل و همکاری بین آنها بیشتر می‌شود و کشورها به سمت مدیریت مرزهای بین خود حرکت می‌کنند. این موضوع در مرزهای دریایی بین ایران و کشورهای همسایه نیز صدق می‌کند. تفاوت بین ساختار سیاسی موجود در ایران با کشورهای همسایه در خلیج فارس سبب شده است که این کشورها ساختار جمهوری در ایران را چالشی برای ساختار امیرنشین و پادشاهی در کشور خود ببینند و سعی کنند تعاملات و همکاری با ایران را کمتر کنند. از سوی دیگر ساختار اقتصادی کشورهای حوزه خلیج فارس به گونه‌ای است که این کشورها تولیدکننده نفت و گاز هستند و از اصل هم‌تکمیلی در اقتصاد برای ارتباط و تعامل



بین خود پیروی نمی‌کنند. از نظر ساختار اجتماعی و فرهنگی نیز تفاوت زیادی بین دو طرف وجود دارد. این ساختارهای ناهمگن و نبود اصل هم‌تکمیلی در اقتصاد در کنار سایر زمینه‌های کاهش تعاملات بین دو طرف و وابسته نبودن این کشورها به یکدیگر، چالش‌ها، اختلافات و حتی تعارض بین ایران با کشورهای همسایه در حوزه خلیج فارس را افزایش داده و دستیابی به مدیریت مناسب مرزی را با چالش مواجه کرده است (جان‌پرور، ۱۳۹۱: ۲۸۴).

### – نوپا بودن

جمهوری اسلامی ایران، کشوری است که سابقه حکومت‌داری چندین هزار ساله دارد. در ایران علت وجودی، هویت ملی و حکومت ملت‌پایه زمان زیادی است که شکل گرفته و زمینه پیوند و همبستگی در درون کشور را بین گروه‌های مختلف فراهم آورده است. از سوی دیگر، هیچ‌یک از کشورهای همسایه ایران در حوزه جنوبی خلیج فارس عمر زیادی ندارند و علت وجودی، هویت ملی و ... در آنها شکل نگرفته است. این امر سبب شده است که این کشورها برای جبران به صورت‌های مختلف از جمله ادعای سرزمینی نسبت به جزایر سه‌گانه ایران، تهدید جلوه دادن ایران و ... زمینه تشکیل ملت و هویت ملی، علت وجودی و مشروعیت‌بخشی به حاکمان را در کشورهای خود فراهم آورند. این موضوع چالش‌ها، تنش‌ها و سایر مسائل را بین ایران با این کشورهای تازه‌تأسیس و نوپا افزایش داده و مدیریت مرزهای دریایی را با مشکل مواجه کرده است.

### – مسائل حقوقی

مسائل حقوقی در خلیج فارس به دو صورت مدیریت مرزهای دریایی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد: اول، مسائل حقوقی درون کشور که ناشی از فقدان قوانین دقیق، قاطع و هماهنگ برای مقابله با تردهای غیرمجاز مرزی، قاچاق کالا و ... است. دوم، مسائل حقوقی بین‌المللی در زمینه مرزهای دریایی. فقدان قوانین بین‌المللی در زمینه دریاهای بسته و نیمه‌بسته برای تحدید حدود مرزهای بین کشورهای همسایه و واگذاری همه مسائل حقوقی به کشورهای حوزه دریای بسته و نیمه‌بسته در کنار مشخص نبودن قوانین در زمینه بهره‌برداری از منابع مشترک، حقوق بین‌الملل هوایی و ... زمینه شکل‌گیری تنش، درگیری و توسعه اختلافات بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همسایه در حوزه خلیج فارس را فراهم آورده و سبب شده است که مدیریت مرزهای دریایی کشور با مشکل مواجه شود.



## – نگرش دو کشور به یکدیگر

نوع نگرش دو کشور همسایه به یکدیگر، تعیین کننده نوع روابط بین آنهاست؛ به نحوی که در خوش‌بینانه‌ترین حالت، دو کشور همسایه متحد همدیگر محسوب می‌شوند و الگوی همکاری بر روابط بین دو کشور در تمام ابعاد همکاری اقتصادی، سیاسی، نظامی- امنیتی حاکم است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۲۰). در نتیجه چنین وضعیتی، هر دو کشور سعی در تعامل بیشتر با یکدیگر برای دستیابی به مدیریت بهینه مرزهای مشترک دارند. به هر میزان که دو کشور دیدگاهی دوستانه و حمایتی نسبت به یکدیگر داشته باشند، به همان میزان زمینه برای تعامل و توافقات بعدی برای تکامل مرزهای بین دو کشور فراهم می‌شود. در جهت دیگر به هر میزان دو کشور دیدگاهی رقابت‌آمیز و خصمانه به یکدیگر داشته باشند، به همان میزان روابط بین آنها چالش‌زا و تنش‌زا خواهد شد و روند تعامل و ارتباط برای تکامل مرزها فراهم نمی‌شود. در خلیج فارس، بین ایران و همسایگان به ویژه بین ایران و عربستان سعودی و بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس در قالب یک سازمان منطقه‌ای نگرش رقابت‌آمیز و دشمنانه‌ای وجود دارد. وجود این نگرش رقابت‌آمیز و دشمنانه بین ایران و همسایگانش در خلیج فارس زمینه تنش، اختلاف و درگیری بین آنها را فراهم آورده و سبب شده است که تعامل و همکاری دو طرف برای رسیدن به مدیریت بهتر مرزهای دریایی کاهش یابد.

## – نگرش حکومت و مردم به مرز

نگرش حکومت و مردم به مرزها از شاخص‌های با اهمیت بالاست که مدیریت مرزهای بین دو کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نگرش حکومت‌ها به مرزها به عنوان عامل انسجام‌بخش، هویت‌بخش، مشروعیت‌بخش و ... زمینه اختلاف و تنش را بین دو طرف به وجود می‌آورد. می‌توان گفت به هر میزان که حکومت‌ها به مرزها به عنوان ابزاری برای انسجام، هویت‌بخشی و مشروعیت‌بخشی نگاه کنند، به همان میزان زمینه برای تکامل مدیریت و مرزها با مشکل مواجه می‌شود. از سوی دیگر نگرش مردم به مرزها نیز در امر مدیریت آنها تأثیرگذار است. به هر میزان که نگرش مردم به مرزها مثبت باشد و آن را پذیرفته باشند، امر مدیریت مرزها ساده‌تر می‌شود و به هر میزان که نگرش مردم به مرزها منفی باشد و آن را تحمیلی بدانند، مدیریت مرزها مشکل‌تر است. این وضعیت در مرزهای دریایی ایران با کشورهای همسایه در خلیج فارس بدین صورت است. حکومت ایران به ویژه حکومت‌های همسایه در خلیج فارس مرزها را به عنوان ابزار انسجام‌بخش، هویت‌بخش، مشروعیت‌بخش، مانع اقتصادی و ... در نظر می‌گیرند و سعی می‌کنند از این ظرفیت و پتانسیل‌های مرزها نهایت بهره را ببرند.



بر این اساس، ایران و به ویژه حکومت‌های حوزه خلیج فارس روند تکامل مرزها برای دستیابی به مدیریت مرزها را با مشکل مواجه کرده‌اند تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. از سوی دیگر، نگرش مردم به مرزها در خلیج فارس با توجه به اینکه خلیج فارس خود به صورت مانع طبیعی قبل از شکل‌گیری مرزها وجود داشته است، تأثیر کمی بر روند مدیریت مرزها داشته است. با وجود این، نگرش قومی-مذهبی و نگرش مردم ایران به مرزهای بین ایران و بحرین نسبتاً منفی بوده و روند دستیابی به مدیریت مرزها را با مشکل مواجه کرده است.

#### هـ) مسائل مرزی

##### - تاریخچه مرز

تاریخچه مرز به دو صورت سن مرز و نحوه شکل‌گیری مرزها، مدیریت مرزها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به هر میزان که مرزهای بین دو کشور از طول عمر بیشتری برخوردار باشند، به همان میزان تنش‌ها، اختلافات و ... بین دو کشور در محدوده مرز کاهش پیدا می‌کند؛ چون مردم و حکومت خود را با مرزها وفق داده و اختلافات بین خود را تا حد زیادی حل و فصل کرده‌اند. این موضوع در مرزهای دریایی ایران با همسایگانش در خلیج فارس با توجه به اینکه خود دریاها به صورت مانع طبیعی از قبل وجود داشته‌اند و ساکنان مرزی خود را با این وضعیت تطبیق داده‌اند، نقش کمی نسبت به مرزهای زمینی دارد. جنبه دوم نحوه شکل‌گیری مرزهاست. اگر نحوه شکل‌گیری مرزهای بین دو کشور با مناقشه، جنگ و ... همراه باشد، زمینه برای دستیابی به مدیریت مرزهای بین دو کشور با مشکل مواجه می‌شود و اگر نحوه شکل‌گیری مرزهای بین دو کشور مسالمت‌آمیز، تعاملی و ... باشد، زمینه برای دستیابی به مدیریت مرز سهل‌تر می‌شود (جان‌پور، ۱۳۹۱: ۱۰۳). وضعیت شکل‌گیری مرزهای دریایی بین ایران و همسایگان در خلیج فارس نشان می‌دهد که بیشتر مرزهای ترسیم‌شده با تعامل و مسالمت‌آمیز بوده است. در این بین نحوه ترسیم مرز بین کویت و عراق که به صورت تحمیلی و از طریق جنگ بوده، بر مرز بین ایران و عراق در خلیج فارس و مرز بین ایران و کویت در خلیج فارس تأثیر گذاشته و سبب شده است که مرزهای کشور در این دو بخش مرحله اولیه تکامل یعنی تحدید حدود مرزهای دریایی بین دو طرف را طی نکند.

##### - اختلافات ارضی و مرزی

اختلافات ارضی و مرزی بین کشورهای خلیج فارس مهم‌ترین عاملی است که روند اعتمادسازی را با بن‌بست مواجه کرده است. این اختلافات تاکنون نقش مهمی در



شکل‌دهی روابط سیاسی و اقتصادی بین کشورهای خلیج فارس ایفا کرده و در طول تاریخ به طور مکرر سبب تنش میان دولت‌های منطقه شده است (ابراهیمی فر، ۱۳۸۱: ۱۱۶). این اختلافات نه تنها صلح و امنیت در این منطقه را به صورت‌های متفاوت تهدید می‌کند، بلکه یکی از عوامل اصلی مؤثر در مدیریت مرزهای دریایی است. این اختلافات ارضی و مرزی که زمینه عدم تفاهم و همکاری بین دو کشور را در تحدید حدود و توافقات بعدی فراهم می‌آورد، در خلیج فارس بین ایران و امارات متحده عربی از جلوه بیشتری نسبت به بقیه برخوردار است. این اختلافات ارضی بین دو کشور که بر مبنای ادعای امارات متحده عربی نسبت به جزایر ایرانی است، زمینه تنش و درگیری بین دو کشور را به صورت‌های مختلف فراهم آورده و سبب شده است که مرزهای بین دو کشور مراحل اولیه تکامل مرز یعنی موافقت، تحدید حدود و ... در جریان دستیابی به مدیریت مرز بین دو کشور را طی نکند. این موضوع به صورت‌های مختلف بر تردهای غیرمجاز بین دو کشور، قاچاق کالا و ... افزوده و مدیریت مرزها را با مشکل مواجه کرده است.

### – وضعیت آمایش مناطق مرزی

وضعیت آمایش مناطق مرزی با توجه به اینکه این مناطق به صورت مستقیم تحت تأثیر دو نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... متفاوت‌اند و مسائل و ناامنی‌های این مناطق به صورت مستقیم بر مدیریت مرزهای کشور تأثیر می‌گذارد، یکی از شاخص‌های مهم در مدیریت مرزهای کشور است. با وجود این، وضعیت آمایش مناطق ساحلی ایران در محدوده خلیج فارس نشان‌دهنده شرایط بدی از نظر توسعه‌یافتگی، اشتغال، وضعیت اقتصادی و ... است. این امر سبب شده است که زمینه برای توسعه تردهای غیرمجاز مرزی، قاچاق کالا، توسعه شکاف بین ساکنان نواحی ساحلی با مرکز کشور، نفوذ قدرت‌های رقیب و مداخله‌گر و ... به صورت درخور توجهی بالا برود و مدیریت مرزهای دریایی کشور در خلیج فارس را با مشکل مواجه کند.

### – زیرساخت‌ها و تکنولوژی مرزی

به کارگیری فناوری‌های نوین برای تأمین و افزایش امنیت مرزی یکی از اهداف دولت‌ها در عصر حاضر است. تکنولوژی‌های جدید برای افزایش مهارت کشورها به منظور کنترل و نظارت و حفظ امنیت شهروندان و ... از اهمیت زیادی برخوردار است. در این راستا، وجود زیرساخت‌ها و تکنولوژی پیشرفته و مناسب در هر عرصه‌ای به



انجام بهتر و نتیجه‌بخش‌تر آن کمک می‌کند. در این بین مدیریت مرز نیز از این قاعده مستثنی نیست و وجود زیرساخت‌ها و تکنولوژی پیشرفته و به‌روز در این عرصه به مدیریت بهتر مرزها کمک می‌کند. زیرساخت‌ها و امکانات مرزی به صورت‌های مختلف می‌تواند بر مدیریت مرز و همکاری مدیریت مرزی تأثیر بگذارد. نتیجه این امر کاهش هزینه‌ها، عملکرد بهتر مرز، کارآمدی و دستیابی به مدیریت بهینه مرزی است (Doyle, 2007: 15-21). داشتن زیرساخت‌ها و تکنولوژی مرزی پیشرفته این امکان را به حکومت می‌دهد که بتواند مرزهای خود را بهتر و آسان‌تر مدیریت کند. وضعیت زیرساخت‌ها و تکنولوژی مرزی جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت مرزهای دریایی با همسایگان در خلیج فارس و بالعکس نیز می‌تواند بر چگونگی مدیریت مرزها تأثیرگذار باشد. شواهد و اطلاعات به‌دست‌آمده در این زمینه نشان می‌دهد که از نظر زیرساخت‌ها و تکنولوژی مرزی برای مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس، محدودیت‌هایی وجود دارد و نیازمند آن است که برای مدیریت بهتر مرزهای دریایی ایران در راستای کامل کردن و به‌روز کردن زیرساخت‌ها و تکنولوژی مرزی در سواحل کشور اقدامات لازم انجام گیرد.

### – مدیریت تنش‌ها، مسائل و بحران‌های مرزی

از آنجا که مرزهای منطقه جداکننده دو حاکمیت، دو فرهنگ و دو ملت از یکدیگر با منافع و اهداف متعارض هستند، از مناطق مهم و اولیه شروع تنش‌ها، مسائل و بحران بین دو کشور به شمار می‌روند. با وجود تحولات در عرصه تکنولوژیکی و ... همچنان این نقاط مرزی به عنوان نقاط شروع تنش و درگیری بین دو کشور محسوب می‌شوند. این موضوع در مرزهای دریایی بین ایران و همسایگان در خلیج فارس به دلیل همپوشانی بیشتر منافع، مسائل حقوقی، منابع مشترک و ... از اهمیت بیشتری برخوردار است و زمینه شکل‌گیری تنش و درگیری بین ایران و همسایگانش را در این حوزه به صورت‌های مختلف فراهم آورده است. از جمله این تنش‌ها می‌توان به ورود غیرقانونی نیروهای نظامی، ماهی‌گیری و ... به آب‌های ایران یا برعکس و سایر مسائل در سطح بالاتر نظیر ادعاهای ارضی و مرزی و .. اشاره کرد. بر این اساس، به هر میزان که این تنش‌ها، مسائل و بحران‌های مرزی که امری اجتناب‌ناپذیر است، خوب مدیریت و کنترل شود و از گسترش و اشاعه آن به داخل کشور و روابط دو کشور جلوگیری گردد، به همان میزان می‌توان مدیریت بهتری در مرزهای دریایی خود داشت. یافته‌های این تحقیق نشان‌دهنده آن است که مدیریت تنش‌ها، مسائل و بحران‌های مرزی در خلیج



فارس بین ایران و همسایگان خوب صورت نگرفته است؛ به طوری که ساده‌ترین مسئله یعنی ورود ماهی‌گیران بومی به آب‌های طرف مقابل سبب تنش بین دو کشور می‌شود و به سادگی حل و فصل نمی‌شود (جان‌پرور، ۱۳۹۱: ۲۹۱-۲۹۰).

## ۲. یافته‌های میدانی

برای اینکه بتوان در کنار یافته‌های نظری، نظر صاحب‌نظران را در تأیید شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزهای دریایی در خلیج فارس اعمال کرد، پرسشنامه‌ای طراحی و تأثیر یا عدم تأثیر شاخص‌های استخراج‌شده بر مدیریت مرزهای دریایی در خلیج فارس از طریق آن سنجیده شد. بر این اساس، شاخص‌هایی که میانگین آنها بیش از ۵ بود، پذیرفته و پایین‌تر از آن رد شدند. داده‌های به‌دست‌آمده از این طریق بدین صورت است:

مسائل مرزی		عوامل ساختاری		بازیگران		سیاست‌ها		واقعیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک	
شماره	شرح	شماره	شرح	شماره	شرح	شماره	شرح	شماره	شرح
۶/۶۸	تاریخچه مرز	۶/۱	ساختار همگن یا ناهمگن دو کشور هم‌مرز	۵/۸۷	سازمان‌ها و نهادهای مرزی	۷/۲۸	سیاست خارجی	۶/۷۶	واقعیت‌های جغرافیایی
۸	اختلافات ارضی و مرزی	۶/۲	نوپا بودن	۹	نیروهای مرزی (مرزبانان)	۷/۶	سیاست دفاعی	۶/۵۴	ساختار ژئوپلیتیکی جهان
۷/۳۲	زیرساخت‌ها و تکنولوژی مرزی	۷/۹	مسائل حقوقی	۷/۶۸	تعدد کشورهای همسایه	۷/۴	سیاست امنیتی	۸/۵۲	موقعیت ژئواستراتژیک منطقه مرزی
۷/۶۵	وضعیت آمایش مناطق مرزی	۸/۴۶	نگرش دو حکومت به یکدیگر	۷	ساکنان مرزی	۷/۸	سیاست مرزی	۸/۶۴	منابع مشترک مرزی
۸/۳۱	مدیریت تنش‌ها، مسائل و بحران‌های مرزی	۷/۵۷	نگرش حکومت و مردم به مرز	۶/۸۶	نیروهای مداخله‌گر	۸/۰۶	سیاست ارتباطی (سطح روابط)	۶/۸	ژئوپلیتیک زیست‌محیطی





نگاهی اجمالی به جدول بالا نشان‌دهنده آن است که همه شاخص‌های مؤثر در مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس که از طریق داده‌های نظری نیز به اثبات رسیده‌اند، از سوی صاحب‌نظران میانگینی بالاتر از ۵ داشته‌اند و تأیید شده‌اند.

### تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

روند تحولات در عرصه جهانی زمینه وابستگی کشورها به یکدیگر برای دستیابی به منافع ملی و امنیت ملی را در عرصه‌های مشترک و بین‌المللی فراهم آورده است؛ به گونه‌ای که هیچ کشوری نمی‌تواند در چارچوب بسته مرزهای خود به سر برد و همه نیازهای خود را به صورت مستقل تأمین کند و ناامنی‌های فرامرزی را کنترل نماید. این تحولات باعث شده است که کشورها برای دستیابی به منافع خود در عرصه‌های بین‌المللی و مشترک نیازمند بازگشایی مرزهای خود برای بهره‌گیری از فرصت‌های جدید و بهره‌مندی از منابع مشترک مرزی باشند. در جهت مقابل در کنار این منافع و فرصت‌ها، مسائل و چالش‌هایی وجود دارد که به صورت‌های مختلف کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند نظم و امنیت درون کشور را با مشکل مواجه کند. این امر موجب برجسته شدن مفهوم جدیدی در تکامل مرزها شد که مدیریت مرز نام دارد. سعی کشورها بر این است که با مدیریت مرزها، مرزهای خود را تا حدی باز کنند تا منافع و فرصت‌های مشترک مرز و آن سوی مرز را کسب کنند و نیز تا حدی مرزهای خود را بسته نگه دارند که ناامنی‌ها و چالش‌های مشترک مرزی و فراسوی مرزها، منافع ملی و امنیت ملی آنها را با خطر مواجه نسازد. این موضوع در مرزهای دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس با توجه به اهمیت بالای ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی، منابع مشترک فرامرزی عظیم، همپوشانی و وابستگی منافع ملی و امنیت ملی بین کشورها و ... از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است؛ زیرا هر گونه تعلل و کم‌کاری در این عرصه به صورت‌های مختلف منافع ملی و امنیت ملی کشور را با مشکل مواجه می‌کند. جمهوری اسلامی ایران برای اینکه بتواند در این عرصه مرزهای خود را مدیریت کند و از فرصت‌های پیش رو تا حد امکان بهره‌برد و چالش‌ها و ناامنی‌ها را تا حد امکان کاهش دهد، در گام نخست باید شاخص‌هایی را بشناسد که می‌توانند مدیریت مرزها را تحت تأثیر قرار دهند. بررسی‌های این مقاله نشان می‌دهد که ۲۵ شاخص در مدیریت مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس مؤثر است که با توجه به نزدیکی موضوعی و برای درک بهتر خوانندگان آنها را می‌توان در قالب ۵



بخش تقسیم کرد: بخش اول، واقعیت‌های جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی؛ بخش دوم، سیاست‌ها؛ بخش سوم، بازیگران؛ بخش چهارم، عوامل ساختاری و بخش پنجم، مسائل مرزی. همه شاخص‌های بخش اول یعنی واقعیت‌های جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی که شامل واقعیت‌های جغرافیایی، ساختار ژئوپلیتیکی جهان، موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوآکونومیک منطقه مرزی، منابع مشترک مرزی و ژئوپلیتیک زیست‌محیطی می‌شود، در مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس از طریق یافته‌های کتابخانه‌ای و یافته‌های پرسشنامه‌ای مورد تأیید قرار گرفته است. بخش دوم شاخص‌ها یعنی سیاست‌ها که شامل سیاست خارجی، سیاست دفاعی، سیاست امنیتی، سیاست ارتباطی (سطح روابط) و سیاست مرزی می‌شود، در مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس از طریق یافته‌های کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای تأیید شده است. بخش سوم شاخص‌ها یعنی بازیگران که شامل سازمان‌ها و نهادهای مرزی، نیروهای مداخله‌گر، نیروهای مرزی، تعداد همسایگان و ساکنان مرزی می‌شود، در مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس از طریق یافته‌های کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای تأیید شده است. بخش چهارم شاخص‌ها یعنی عوامل ساختاری که شامل ساختار همگن یا ناهمگن، نوپا بودن، مسائل حقوقی، نگرش دو کشور به یکدیگر و نگرش حکومت و مردم به مرز می‌شود، در مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس از طریق یافته‌های کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای مورد تأیید قرار گرفته است. بخش پنجم شاخص‌ها یعنی مسائل مرزی که شامل تاریخچه مرز، اختلافات ارضی و مرزی، وضعیت آمایش مناطق مرزی، زیرساخت‌ها و تکنولوژی مرزی و مدیریت تنش‌ها، مسائل و بحران‌ها مرزی می‌شود، در مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس از طریق یافته‌های کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای مورد تأیید قرار گرفته و تنها در این بخش تغییرات طبیعی و انسانی خط مرزی رد شده است. شایان ذکر است که این شاخص‌ها در خلیج فارس به صورت دوطرفه عمل می‌کنند و برای اینکه بتوان آنها را مدیریت کرد، باید آنها را به دو صورت درون‌کشوری و کشور همسایه مد نظر قرار داد.



## منابع فارسی

- ابراهیمی فر، طاهره (۱۳۸۱)، الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- افشردی، محمدحسین و محسن جان‌پرور (۱۳۹۲)، الگوی مدیریت مرزهای سرزمینی (مورد پژوهی: مرزهای دریایی ایران در خلیج فارس)، تهران: انتشارات دانشگاه عالی.
- ایوانز، گراهام و جفری نونام (۱۳۸۱)، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسن شریفی، تهران: نشر میزان.
- آزر، ادوارد ای. و چونگ این مون (۱۳۷۹)، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برادن، کتلین و فرد شلی (۱۳۸۳)، ژئوپلیتیک فراگیر، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی ستاد دوره عالی جنگ.
- پیرفلک، علی (۱۳۸۸)، «بررسی و نقد استحکامات مرزی»، مجموعه مقالات همایش ملی مرزهای ملی: مسائل و راهبردها، به اهتمام خسرو قبادی، ج دوم، تهران: پژوهشکده جهاد دانشگاهی.
- جان‌پرور، محسن (۱۳۹۱)، تبیین الگوی مدیریت مرز دریایی مورد خلیج فارس، رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی، به راهنمایی دکتر محمدحسین افشردی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی-اجتماعی، ج اول، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس خارج از کشور.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، مشهد: انتشارات سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- ربیعی، حسین (۱۳۸۸)، نقش قدرت‌های منطقه‌ای در حل و فصل منازعات سرزمینی مورد: ایران در منطقه خلیج فارس در دهه ۷۰ میلادی، رساله دکتری جغرافیای سیاسی، به راهنمایی دکتر پیروز مجتهدزاده، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۶)، «عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر امنیت مرزی با تأکید بر مرز شرق ایران و افغانستان»، فصلنامه راهبرد دفاعی، س ششم، ش ۲۰.
- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۴)، ابعاد حقوقی حاکمیتی ایران در خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۰)، «تأثیر محیط امنیتی منطقه‌ای بر سیاست دفاعی دولت‌ها»، مجله سیاست دفاعی، ش ۳۴.



- کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منبع تنش و تهدید)، کرج: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
- معنوی، احمد (۱۳۸۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بستر منافع ملی (با نگاهی بر روابط ایران و عربستان)، تهران: انتشارات کتاب دانشجو.
- میرعباسی، سیدباقر و فرخزاد جهانی (۱۳۹۰)، «رژیم حقوقی بهره‌برداری از میادین مشترک نفت و گاز از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۶۱.

#### منابع لاتین

- Doyle, Tom (2007), "Collaborative Border Management", *Word Customs Journal*, Vol. 4.
- Heinesson (2009), "Accreditation and Border Management", Available: [www.kghborderservices.com](http://www.kghborderservices.com)
- Pratt, Martin (2001), *Boundary- Making, Challenges & Opportunities*, IBRU, Durham University. UK.
- Sullivan, Patricko (1986), *Geopolitics*, London: Croom Helm.